

اجلاس اقتصادی اروپا

در سال ۲۰۰۱

دکتر سلاله حبیبی امین

مقدمه

سیاسی و اقتصادی نیز به آن افزوده گردید. این اجلاس به تدریج با مناطق مختلف جهان ارتباط برقرار ساخت و در سال ۱۹۸۷ به خاطر گسترش حوزه جغرافیایی آن و بین‌المللی شدن بنیاد، نام مجمع اقتصاد جهانی را به خود گرفت. در مجموع در طی سه دهه، این اجلاس از یک کنفرانس اقتصاداروپایی به یک نهاد منحصر به فرد جهانی تبدیل شده است. این اجلاس خود را «بنیادی مستقل، بیطرف و غیر انتفاعی می‌خواند که به نفع منافع عمومی جهانی و برای رشد اقتصادی و پیشرفت اجتماعی آتی فعالیت می‌کند.» سالانه در داووس سوئیس، «گروه رهبری‌کننده جهانی» گردهم می‌آیند و به «تعریف دستور کار جهانی» می‌پردازند.^(۱)

در سال ۱۹۷۰، کلاوس شواب (Klaus Schwab)، استاد مدیریت تجاری، با هدف ترسیم یک استراتژی منسجم برای تجارت اروپایی و قادر ساختن اروپا برای مقابله با چالش‌های بازار بین‌المللی، بازیگران کلیدی اروپایی را به حضور در اجلاسی غیررسمی در داووس سوئیس در سال ۱۹۷۱ دعوت کرد. این ابتکار وی با حمایت کمیسیون جوامع اروپایی و اتحادیه‌های صنعتی اروپایی روبرو شد. در سال ۱۹۷۱، اجلاس مدیریت اروپایی به عنوان یک بنیاد غیرانتفاعی تأسیس شد. در ابتدا در این اجلاس بیشتر مسائل مدیریتی مطرح و ابتکارات و فعالیت‌ها برای سال آتی تعیین می‌شد، ولی بعدها مسائل

قابل ذکر است که این بنیاد از سوی هزار شرکت مهم جهانی تأمین مالی می شود. در سال ۱۹۹۶، اولین اجلاس اقتصادی اروپای مرکزی و شرقی به عنوان یکی از جلسات منطقه‌ای مجمع اقتصاد جهانی با حمایت کلدستیل، رئیس جمهور اتریش، در سالزبورگ اتریش برگزار شد. امسال در ششمین جلسه این اجلاس، برای اولین بار، یک اجلاس اقتصادی اروپا، جای اجلاس اقتصادی اروپای مرکزی و شرقی را گرفت. موضوع اجلاس های گذشته، توسعه اقتصادی اروپای شرقی و مرکزی بود، ولی برگزار کنندگان کنفرانس مزبور معتقد بودند با ادامه گذر از اقتصاد دولتی به اقتصاد بازار در اروپا، اکنون این کشورها وجوه تشابه بسیاری دارند و می توان برای کل کشورهای اروپایی یک اجلاس واحد تشکیل داد.

بحث‌های اجلاس ۲۰۰۱

موضوع اجلاس اروپایی سال ۲۰۰۱ «اروپا: بنای اروپا بر پایه تنوع» تعیین شده بود. و مسائل اصلی مورد بحث شامل چهره جدید اتحادیه اروپا، چشم انداز سیاسی اروپای شرقی و جنوبی، تلفیق روسیه در اروپا و مسائل دیگری بود که به عنوان جزئی تری تقسیم بندی شده و در طی سه روز اجلاس به تفصیل مورد بحث قرار گرفت. علاوه بر این موضوعات، مسئله تحکیم بازارهای مالی، اصلاح سیستم بانکشستگی، نرخ بهره و یورو (واحد پول اتحادیه اروپا) و طرح ها و ابتکارات متعدد دیگری نیز در این اجلاس مطرح شد، از جمله ابتکار «پلی به روی اروپا» که برای توسعه ارتباطات میان شهروندان و سیاستمداران اروپایی در نظر گرفته شده بود.

اجلاس کار خود را با سخنرانی کلاوس شواب، رئیس مجمع اقتصاد جهانی، آغاز کرد. وی با سخنرانی خود تحت عنوان «اروپا: تعبیر آینده» اظهار داشت که «اروپائیان باید در سال آتی سعی کنند در مورد جهت اقتصادی، اجتماعی

و سیاسی که اروپا در سال‌ها و دهه‌های آینده باید اتخاذ کند، به توافق برسند».^(۲)

گسترش اروپا

در اولین روز اجلاس و در بحث افتتاحیه، مهم‌ترین مسئله مورد توجه این اجلاس، یعنی گسترش اتحادیه اروپا، مطرح شد. این مسئله به خصوص از آن جهت حائز اهمیت بود که به فاصله زمانی کمی از این اجلاس، مردم ایرلند، در یک همه‌پرسی به پذیرش کشورهای اروپایی شرقی در اتحادیه اروپا رأی منفی داده بودند و تردیدی که در میان کشورهای مرزی اتحادیه اروپا، همچون اتریش و آلمان، در مورد پذیرش اعضای جدید به درون اتحادیه وجود دارد، باعث نگرانی کشورهای اروپای شرقی و جنوب شرقی شده بود و به نظر می‌رسید که روند اتحاد اروپا در مرزهای اروپای شرقی متوقف خواهد شد. لذا تلاش طرفداران گسترش اتحادیه اروپا و به خصوص تلاش کشورهای غیر عضو بر آن بود که با استفاده از این اجلاس، از مشکلات و تردیدهای به وجود آمده بکاهند و راه را برای پیوستن اروپای شرقی و جنوب شرقی به اتحادیه اروپا هموار سازند.

در این رابطه جورج سوروش، از رؤسای این جلسه (وی رئیس بنیاد مالی قدرتمند سوروش می‌باشد و خود مجاری الاصل است)، گرچه در سخنرانی خود اعلام داشت که «همگرایی اروپا باید ادامه یابد»، با این حال به این مشکل اشاره کرد که مردم در اتحادیه اروپا، در تمایل خود به

گسترش اروپا، دچار تردید شده‌اند و احساس می‌کنند که سیاستمداران این اتحادیه توجهی به نظرات آنها در این باب ندارند. به نظر وی باید برای رفع کمبود دموکراسی در روند گسترش اتحادیه اروپا راه حلی یافت.^(۳)

از مهم‌ترین سخنرانان در این مورد، الکساندر کواسینوسکی (Kwasniewski)، رئیس جمهور لهستان بود که به مسئله جدایی رهبران اروپا از مردم، در روند گسترش اروپا اشاره کرد و اظهار داشت که در حالی که اروپای شرقی یک دوره انتقالی سیاسی و اقتصادی غیر قابل پیش‌بینی را طی می‌کند و همگرایی اقتصادی قاره به پیش می‌رود، مردم اروپا با این تحولات موافق نیستند و رهبران منطقه باید حمایت مردمی شهروندان را از گسترش اروپا تقویت کنند. و به تعبیر وی نوعی «خودآگاهی اروپایی» به وجود آورند. وی در عین حال اشاره کرد که نباید به همه‌پرسی هفتم ژوئن ایرلند، اهمیتی بیش از حد داده شود. «باید به آنها نشان دهیم که منافع آنها حفظ خواهد شد و گسترش اتحادیه اروپا به نفع همه مردم اروپا است».^(۴) (لهستان، مجارستان، جمهوری چک، قبرس و استونی اولین کشورهای هستند که به عضویت اتحادیه اروپا در خواهند آمد.)

در همین رابطه، در روز سوم اجلاس، در جمع بندی مباحث مطرح شده، بارنویک متذکر شد که شرکت کنندگان در اجلاس از گسترش اتحادیه اروپا قویاً حمایت کرده‌اند، ولی اتحادیه اروپا نباید گسترش خود را به شکل تصرف

کشورهای دیگر تلقی کند، بلکه باید آن را پذیرفتن اعضای برابر بداند. وی در عین حال ابزار نگرانی کرد که انتخابات سال آینده آلمان و فرانسه ممکن است روند گسترش اتحادیه را کند سازد.^(۵)

منطقه شرق و جنوب اروپا

در ارتباط با گسترش اتحادیه اروپا، در اولین روز اجلاس، مسئله وضعیت شرق و جنوب اروپا و تحولات این منطقه از محورهای اصلی

بحث بود. این اولین بار پس از یک دهه بود که سران دولت‌های اسلوونی، صربستان و کرواسی در گفتگویی از این دست شرکت داشتند. در

واقع برگزاری موفقیت‌آمیز انتخابات آزاد در یوگسلاوی و روی کار آمدن چهره‌های دموکراتیک در این کشور، از جمله تحولات

مثبت اروپای شرقی و جنوب شرقی بود که امید به پیشرفت این بخش از اروپا و پیوستن آنها به اتحادیه اروپا را تقویت نمود. همچنین،

تسلیم میلو سوویچ، رئیس جمهور سابق یوگسلاوی، به دادگاه جرائم بین‌المللی در لاهه که در آستانه تشکیل اجلاس صورت گرفت،

علامتی از سوی یوگسلاوی بود که تمایل این کشور را به پذیرفته شدن در اروپا و قطع ارتباط با سیاست دهه گذشته این کشور نشان می‌داد.

البته نیاز شدید به جلب سرمایه‌گذاری و کمک مالی اتحادیه اروپا، انگیزه اصلی این اقدام یوگسلاوی بوده است.

سوروش در سخنرانی خود در رابطه با

اروپای شرقی و جنوب شرقی پیشنهاد کرد که این کشورها در این منطقه یک اتحادیه گمرکی تشکیل دهند تا منطقه مزبور را برای سرمایه‌گذاران خصوصی جذاب نماید. وی با تقدیر از اقدام یوگسلاوی، در تسلیم میلو سوویچ به دادگاه بین‌المللی، اظهار داشت که «این کشورها باید خود را از تاریخ جدا کنند و از منازعات آتی اجتناب ورزند و تنها با دستیابی به پیشرفت اقتصادی است که می‌توانند به تدریج بر مشکلات سیاسی موجود فائق آیند.»^(۶)

گوئتر ورهویگن (Verheugen)، عضو کمیسیون اروپا، معتقد بود که اتحادیه اروپا و کشورهای نامزد عضویت در اتحادیه، همگی

تاحدی در روند اتحاد اروپا پیش رفته‌اند که راه برگشتی ندارند و اگر فرصتی که اکنون برای اتحاد اروپا پیش آمده است، از دست برود، کل

روند چندین سال به عقب باز خواهد گشت. وی از نخبگان اروپایی خواست که برای وحدت بیشتر اروپا مبارزه کنند.

نخست وزیر اسلوونی، یانس درنوسک (Drmovsek)، در اشاره به رأی منفی مردم ایرلند به گسترش اتحادیه اروپا، از آنها خواست درک

کنند که چقدر از پیوستن به اتحادیه اروپا منفعت برده‌اند و اجازه دهند تا همسایگان شان در شرق و جنوب شرقی نیز از فرصت برابری

بهره‌مند شوند. پرسی بارنویک، عضو هیئت رئیسه اجلاس از شرکت اینوستور آب. (Investor AB)، در این

مورد معتقد بود که جامعه تجاری در ادامه روند

گسترش اتحادیه، منافع خاصی دارد و اگر این روند متوقف شود کل اتحادیه از هم می‌پاشد. زوران جینجیچ (Djindjic)، نخست وزیر صربستان، از جامعه تجاری درخواست کرد تا کمک کنند که نیروهای تجزیه‌گرا را با روحیه جدید اتحاد اروپا، جایگزین سازند.^(۷)

سوروش با توجه به گزارشات و مباحث ارائه شده در این باب، در روز سوم اجلاس اظهار داشت که وی امیدوار بود اتحادیه اروپا رهیافت چند جانبه‌تری نسبت به این منطقه اتخاذ کند و در حال حاضر فرصت بزرگی برای تلفیق این منطقه در بقیه اروپا به نحوی جامع فراهم آمده است، ولی این خطر وجود دارد که اروپا این فرصت را همان‌طور که ده سال پیش در مورد روسیه از دست داد، اکنون در مورد منطقه شرق و جنوب شرق اروپا نیز از دست بدهد.^(۸)

نگاه اروپا به روسیه

از مسائل مهم مطروحه در اجلاس، مسئله وضعیت اقتصادی روسیه و تحولات ضروری بود که باید در اقتصاد روسیه صورت گیرد تا این کشور را برای سرمایه‌گذاری خارجی جذاب نماید و بدین طریق تحول اقتصادی روسیه و متعاقباً تلفیق آن در اتحادیه اروپا را تسهیل نماید. لذا علاوه بر مسائل اقتصادی، به نقش روسیه در اروپا و امکان پیوستن تدریجی آن به اتحادیه اروپا نیز اشاره شد. برای اجلاس این سؤال مطرح بود که روسیه تا چه حد برای آینده اروپا اهمیت دارد؟ و اتحادیه اروپا تا چه حد می‌تواند بر تحولات آتی روسیه اثر بگذارد؟ علاوه بر

شاخص آمادگی برای چالش‌های قرن بیست و یکم

از ابتکارات جالب کنفرانس سالزبورگ که در اولین روز اجلاس ارائه شد، ابتکاری بود که از سوی گروه رهبران جهانی فردا (GLTs: Global Leaders of Tomorrow) که بخشی از اجلاس اقتصاد جهانی هستند، تحت عنوان «شاخص آمادگی برای آینده» ارائه شد و هدف از آن ارزیابی میزان آمادگی کشورهای اروپایی در قبال چالش‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قرن بیست و یکم بود. این شاخص، کشورهای

این، با وجود بهتر شدن فضای سیاسی و اقتصادی در روسیه، هنوز سرمایه‌گذاران خارجی علاقه چندانی به سرمایه‌گذاری در روسیه ندارند. لذا، اجلاس به طور تخصصی به این مسئله پرداخت و یک گروه تحقیق ضربتی برای بررسی مشکلاتی که مانع سرمایه‌گذاری و پیشرفت اقتصادی روسیه می‌شوند و ارائه راه حل‌های عملی برای حل آنها تشکیل داد.

در همان روز اول اجلاس، گروهی از صاحب‌نظران که نماینده بسیاری از بازیگران بین‌المللی و داخلی عمده در بازار امروزه روسیه بودند، تحت نظارت رونالد فریمن (Freeman)، مشاور ارشد مجمع اقتصاد جهانی، در طرحی شرکت کردند که هدف آن پیشنهاداتی بود که به مجلس روسیه (دومای روسیه) در تدوین قانونی جدید برای اداره مشترک شرکت‌ها در روسیه کمک کند.

در همان روز اول اجلاس، گروهی از صاحب‌نظران که نماینده بسیاری از بازیگران بین‌المللی و داخلی عمده در بازار امروزه روسیه بودند، تحت نظارت رونالد فریمن (Freeman)، مشاور ارشد مجمع اقتصاد جهانی، در طرحی شرکت کردند که هدف آن پیشنهاداتی بود که به مجلس روسیه (دومای روسیه) در تدوین قانونی جدید برای اداره مشترک شرکت‌ها در روسیه کمک کند.

بحث اصلی گروه این بود که آیا بازار روسیه باید تحت کنترل دولتی باشد و یا بازار با سیستمی خود تنظیمی اداره شود؟ بحث مزبور نشان داد که یافتن مدلی غربی که مناسب بازار روسیه باشد تا چه حد دشوار است، به خصوص تفاوت‌های فرهنگی شرق و غرب، امکان اعمال موفقیت‌آمیز بسیاری از روش‌های کنترل غربی را در روسیه، غیر ممکن و یا ناکارآمد می‌سازد. لذا این گروه به این نتیجه رسید که روسیه باید رویه‌های صحیح در هر حوزه‌ای را انتخاب کند و آنها را با نیازهای داخلی خود تطبیق دهد.

این گروه پانزده پیشنهاد تنظیم نمود تا در

اجلاس‌های اقتصادی اروپایی بعدی مورد بررسی بیشتر قرار گیرد و در جلسه ماه نوامبر دومای روسیه در تدوین قانون‌های مربوط به اداره شرکت‌ها مستقیماً به کار گرفته شود.

همان‌طور که اشاره شد، مسئله روسیه از ابعاد مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. گریگوری یاولینسکی (Yavlinsky)، عضو دومای دولتی روسیه و رهبر جنبش یابلوکو (Yabloko)، در سخنرانی خود در روز آخر اجلاس، به نیاز به تغییر در جامعه روسیه اشاره کرد و گفت: «روسیه به تغییرات اقتصادی نیازمند است ولی حقوق بشر، آزادی بیان و جوابگو بودن دولت در قبال ملت نیز باید در روسیه تأمین شوند.»^(۱۱) وی همچنین گفت: «تلفیق روسیه، بیلوروسیه، و اوکراین در اروپا برای این‌قاره اهمیت بسیاری دارد، به خصوص اگر اروپا بخواهد موقعیت خود را در قبال دو قطب جهانی دیگر یعنی آمریکا و آسیا حفظ کند.»^(۱۲)

وی پذیرفتن روسیه در سازمان جهانی تجارت (WTO) و سازمان‌هایی از این نوع را قدم‌های مثبتی برای تسهیل پیوستن روسیه به اتحادیه اروپا خواند و از این‌که ناتو هنوز به پیشنهاد ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در مورد توسعه مشترک یک سیستم موشکی بالستیک غیر استراتژیک به روسیه پاسخی نداده است، اظهار تأسف نمود.

همچنین ولادیمیر ریژکف (Ryzhkov)، عضو دومای دولتی روسیه، در بیانات خود ارزش‌های روسی را بخشی از ارزش‌های اروپایی



خواند و از گرایشاتی که در اروپا وجود دارد و نیاز به اتحاد کل اروپا در دراز مدت را نادیده می‌گیرند، ابزار نگرانی کرد. وی معتقد بود که بدین ترتیب مجدداً مرزبندی جدیدی در اروپا به وجود می‌آید و علاوه بر تضعیف کل روند اتحاد، باعث دلسردی نیروهای اصلاح طلب این کشورها خواهد شد.^(۱۳)

نویل ایسدل (Isdell)، نایب رئیس شرکت کوکاکولا، در نتیجه‌گیری خود از بحث در مورد روسیه و رابطه آن با اروپا، بهتر ساختن چهره روسیه، توسعه و بهبود فضای سرمایه‌گذاری، تغییر رژیم روادید برای تسهیل تجارت و اصلاح رژیم حقوقی و مالیاتی و همین‌طور تلفیق بیشتر روسیه در اروپا، از طریق پیوستن روسیه به سازمان جهانی تجارت و گسترش پیوندهای روسیه با ناتو را از اولویت‌هایی شمرد که از بحث‌های اجلاس منتج می‌شوند.

امنیت و ثبات اروپا

از جنگ جهانی دوم به بعد، اروپا برای حفظ ثبات و امنیت خود به آمریکا و نیروی ناتو متکی بوده است و حتی در بحران‌های اروپایی چون

بحران دهه نود در بالکان نیز کشورهای اروپایی ناچار شدند برای جلب این بحران از نیروهای ناتو استفاده کنند و این ابتکار دیپلمات آمریکا بود که به این بحران پایان داد. ولی کشورهای اروپایی عمده، همچون فرانسه و آلمان، خواهان اروپای مستقل‌تری هستند که مسائل امنیتی خود را در داخل اروپا و با نیروهای اروپایی حل کنند.

آنان در نظر دارند که با قدرت یافتن اتحادیه اروپا، از اتکای اروپا به آمریکا و حتی نیروهای ناتو، که اساساً تحت رهبری آمریکا می‌باشد، بکاهند و خود نقش بیشتری در حفظ ثبات و امنیت قاره ایفا کنند. ولی این‌که اروپا چگونه این نقش را برعهده خواهد گرفت و این وظایف را از طریق چه مکانیسم‌هایی انجام خواهد داد، هنوز روشن نشده است. اما هم‌اکنون نیز طرح‌هایی برای ایجاد یک نیروی واکنش سریع قدرتمند متشکل از ۶۰۰۰۰ نفر، و طرحی برای هویت دفاعی و امنیتی اروپا (ESDI) تنظیم شده و در جریان است. در اجلاس سالزبورگ، اعضا مایل بودند که تأثیر اجرای چنین طرح‌هایی بر رابطه ناتو و اتحادیه اروپا را مورد ارزیابی قرار دهند و این سؤال مطرح بود که آیا چنین کاری در نهایت خطر ایجاد شکافی میان اعضای اروپایی و غیر اروپایی ناتو را در بر خواهد داشت یا خیر؟ و یا بهتر است که به جای اجرای طرح‌های مذکور، ناتو گسترش یابد و روسیه و کشورهای دیگر اروپایی را نیز در برگیرد؟ و در نهایت، روسیه چه نقشی در سیاست امنیتی اروپا ایفا خواهد کرد؟

در پاسخ به چنین سئوالاتی، سرگئی کیرینکو (Kirinkov)، رئیس منطقه فدرال ولگای روسیه، تأکید نمود که «ایجاد یک سیستم امنیتی اروپایی جدید، امری الزامی است و سه راه برای آن وجود دارد: اول، ناتو کنار گذاشته شود و سازمان جدیدی جایگزین آن شود. دوم، روسیه به ناتو ملحق گردد. و سوم، ناتو به شکل فعلی خود

باقی بماند ولی روسیه و آمریکا، با هم، مکانیسم جدیدی برای امنیت اروپا ایجاد نمایند». وی معتقد بود «که طرح دفاع موشکی آمریکا، بازگشتی به مسابقه تسلیحاتی قدیمی است و بیشتر از آن که ناشی از ملاحظات امنیتی باشد، طرحی برخاسته از عوامل اقتصادی است.»^(۱۴) علاوه بر این محورهای کلی، مطالب مهم دیگری نیز در اجلاس مطرح شد که از جمله آن، ضعف اقتصادی اروپا در مقایسه با آمریکا در مقابله با بحران‌های اقتصادی و مالی جهانی بود. جاکوب فرانکل، اقتصاددان و رئیس «مریل لینچ اینترنشنال»، اظهار داشت که از آنجا که اقتصاد اروپا به نسبت اقتصاد آمریکا از انعطاف‌پذیری کمتری برخوردار است، با هر بحرانی که پیش می‌آید، اقتصاد اروپا بیشتر به عقب باز می‌گردد، چرا که اروپا به موقع به بازسازی اقتصاد خود نپرداخته است و اقتصاد آن فاقد انعطاف‌پذیری است. ضعف یورو (واحد پول اتحادیه اروپا) در مقابل دلار آمریکا، مانع آن شد که اروپا آن طور که پیش بینی می‌شد، از ضعف اقتصادی موقت آمریکا استفاده نماید و پیشروی اقتصاد جهانی گردد.^(۱۵) (تقویت یورو و تثبیت ارزش آن نیز از مسائل مهم اجلاس بود).

همچنین مسئله تأمین منابع انرژی مطمئن‌تر و از نظر زیست محیطی سالم‌تر، مسئله‌ای بود که با افزایش قیمت نفت در سال گذشته، توجه اروپا را به خود جلب کرد و اتحادیه اروپا را در مورد توانایی این قاره برای غلبه بر یک بحران

انرژی دیگر نگران ساخت. مسئله مهاجرت نیروی کار نیز در اجلاس مطرح شد. اروپا از یکسو با مشکل بیکاری، و از سوی دیگر، با مشکل کمبود نیروی کار ماهر و غیرماهر روبروست و به همین لحاظ گروه‌های تجاری بر دولت‌ها فشار می‌آورند تا قوانین مهاجرت انعطاف‌پذیرتر شود. کشورهای اتحادیه اروپا با وجود کمبود نیروی کار نگران آن هستند که با گسترش اتحادیه اروپا و پیوستن اروپای شرقی به آن، نیروی کار از این کشورها به محدوده فعلی اتحادیه سرازیر شود و بر مشکلات این جوامع بیفزاید. در حالی که جامعه تجاری معتقد است که برای رشد سریع تر اروپا و رقابت بهتر با سایر قطب‌های اقتصادی دنیا، باید بازار نیروی کار آزادتر شود و در صورت لزوم نیروی کار ماهر حتی از خارج از اروپا اجازه مهاجرت بیابند. ولی نه تنها دولت‌ها، بلکه بخش بزرگی از جامعه اروپایی، نسبت به عواقب تسهیل قوانین مهاجرت بدبین هستند، به طوری که با گروه اول کشورهایی که به عضویت اتحادیه اروپا در خواهند آمد، توافق شده که تا هفت سال پس از عضویت آنها در اتحادیه، اتباع این کشورها اجازه کار در سایر کشورهای اتحادیه را نخواهند داشت.

اعضای اجلاس با توجه به این مشکلات برقراری رابطه نزدیک‌تر با جامعه مدنی اروپایی را نیز در سالزبورگ مورد بحث قرار دادند و در روز دوم اجلاس، گروه ویژه‌ای برای بررسی ابعاد انسانی اتحاد اروپا تشکیل شد تا فرصت‌ها

و چالش‌های ناشی از یک کاسه شدن اروپا را مورد مطالعه قرار دهد و مشخص کند که چگونه همکاری گروه تجاری و سازمان‌های غیر دولتی (NGO) را می‌توان به یک همکاری عملی مبدل ساخت، با این هدف که همگرایی اروپا، علاوه بر مزایای اقتصادی، مزایای اجتماعی نیز در برداشته باشد.

ایسدل، رئیس جلسه طرح مزبور و نایب رئیس شرکت کوکاکولا، در مورد این همکاری معتقد بود که یکی از موانع کلیدی بر سر همکاری عمیق‌تر میان تجارت و سازمان‌های غیر دولتی، فقدان اعتماد است. شانزده عضو شرکت کننده رفع این بی‌اعتمادی را از چالش‌های مهم پیش روی اتحادیه اروپا قلمداد کردند.

برای رفع مشکل کمبود بعد دمکراتیک در روند همگرایی اروپا و مبارزه با چالش‌های آتی، اجلاس سالزبورگ در روز سوم خود، با کمک «هاوس اف مندگ مورگن» (House of Mandag Morgen) طرحی به نام «پلی به روی اروپا» تنظیم و به اجرا در آورد تا بی‌اعتمادی شهروندان نسبت به دستورکار سیاسی و بی‌علاقگی آنها به همگرایی اروپا را تغییر دهند.

برای پیشبرد دموکراسی، این طرح تبادل نظر میان شهروندان، دانشگاهیان، سازمان‌های غیر دولتی، نهادهای سیاسی و تجاری را امکان‌پذیر می‌سازد و از طریق ارتباطات اینترنتی و امثال آن، به مدت دو سال وظیفه اطلاع‌رسانی و مشارکت بیشتر مردم اتحادیه اروپا را در جریان همگرایی اروپا به عهده دارد، تا به این جریان

چهره دمکراتیک ببخشد.

تلاش برای ارتباط میان موافقان و مخالفان جهانی شدن

در سال‌های اخیر، هر کنفرانس جهانی اقتصاد و یا کنفرانس‌هایی که کشورهای بزرگ تنها اعضای آن هستند، و یا موضوع کنفرانس به هر نحوی به جهانی شدن مربوط می‌شود، با تظاهرات گروه عظیمی از مخالفان روبرو می‌گردد. این تظاهرات از زمان کنفرانس سازمان تجارت جهانی در سیاتل امریکا شکل گسترده‌تر و خشونت‌بارتری به خود گرفته است، به طوری که روال زندگی عادی در شهر محل برگزاری کنفرانس کاملاً در هم ریخته است و نیروی عظیمی از پلیس برای مقابله با تظاهرکنندگان و حفاظت از شرکت کنندگان در کنفرانس در شهر مستقر می‌شوند. شهر گوتنبرگ سوئد نیز، که حدوداً یک هفته پیش از اجلاس سالزبورگ، محل برگزاری کنفرانس اتحادیه اروپا بود، به صحنه شدیدترین درگیری‌های میان نیروهای پلیس و گروه‌های مختلفی که آنها را به طور کلی، گروه مخالف جهانی شدن می‌خوانند، مبدل شد.

تظاهرکنندگان را طیف گسترده‌ای از مخالفین جهانی شدن تشکیل می‌دهند که گروه‌های طرفدار محیط زیست و طرفداران حقوق بشر و اتحادیه‌های تجاری، تا گروه‌های کمونیست و حتی آنارشیست‌ها را در برمی‌گیرد که از همه نقاط اروپا، امریکا و حتی استرالیا برای برگزاری تظاهرات در محل کنفرانس‌ها

گرد هم می آیند. (Radcliff)، اتان کاپ اشتاین (Kapstein)، و گروه های طرفدار محیط زیست، عمدتاً نگران تنزل وضعیت محیط زیست بشری و

عدم توجه کشورها و شرکت های بزرگ به قوانین منع آلودگی محیط زیست هستند؛ اتحادیه های تجاری نگران آنند که در اثر جهانی شدن به تعداد بیکاران افزوده شود؛ آناشپیست ها با هرگونه قانونمندی بین المللی مخالف اند؛

دانشجویان نیز خواهان مقابله با سرمایه داری و اغنیا و همچنین کمک به کشورهای فقیر هستند؛ و برخی معتقدند که جهانی شدن، دمکراسی را از بین می برد.

کنفرانس سالزبورگ نیز از این قاعده مستثنی نبود. تعداد زیادی از تظاهرکنندگان در نزدیکی محل کنفرانس گردآمده بودند و نیروی پلیس شهر را تقریباً در محاصره خود گرفته بود. گرچه شدت خشونت هر دو گروه به نسبت آنچه در گوتنبرگ رخ داده بود، بسیار ناچیز بود ولی با این حال تعدادی از هر دو طرف در زد و خوردها زخمی و تعداد زیادی از تظاهرکنندگان دستگیر شدند.

مجمع اقتصاد جهانی برای حل این معضل از راه های غیر خشونت آمیز، اقدام به برگزاری جلسه گفتگویی با فعالان ضد جهانی شدن نمود که در سالزبورگ نیز این جلسه از سوی اتاق کار سالزبورگ، در روز دوم اجلاس برگزار شد. سخنگویان سازمان اتاک (ATTAC) و برخی از شرکت کنندگان در اجلاس، از جمله پرسی بارنویک، نایب رئیس اجلاس، روزمیری رادکلیف

محورهای اصلی مطرح شده در جلسه شامل اثرات جهانی شدن بر شرق و جنوب، نقش تجارت جهانی و بازارهای بین المللی، مسئولیت اجتماعی جمعی و دمکراتیزه سازی و جهانی شدن بود.

بارنویک، اولین سخنران این جلسه، به مزایای جهانی شدن و گشودن بازارها برای کل اقتصاد جهانی اشاره کرد و آن را نوعی «انقلاب صنعتی دوم» خواند که باعث نجات مردم کشورهای در حال توسعه از فقر، آن هم فقط در طی چند دهه شده است. وی با اعتراف به اثرات منفی جهانی شدن اظهار داشت که گرچه جهانی شدن اثرات جانبی منفی دارد ولی این اثرات جانبی منفی هستند که باید مورد مخالفت قرار گیرند و نه خود روند جهانی شدن.^(۱۷)

لئو گابریل (Gabriel)، رئیس سازمان سودویند (Sudwind) اتریش، در پاسخ به سخنان بارنویک گفت که «انسان ها کالا نیستند» و جهانی شدن به شرکت های خارجی اجازه می دهد که کنترل شرکت های عمده و سرمایه را در کشورهای در حال توسعه در دست بگیرند و بعد با اخراج افراد برای بالا بردن سود، به بیکاری و فقر مردم این کشورها دامن می زنند. سپس مثال های متعددی از اثرات منفی جهانی شدن را در کشورهای فقیر برشمرد (از جمله اثرات منفی حضور شرکت شل در نیجریه و غیره). همچنین به نظر وی

شرکت‌های خارجی با سرمایه‌گذاری بر روی دیکتاتوری‌هایی چون برمه، به سود فراوانی دست یافته‌اند و مسلم است که چنین سرمایه‌گذاری‌های نمی‌تواند به بهبود وضعیت سیاسی این کشورها بیانجامد.^(۱۸)

سوزان جرج (George)، نایب‌رئیس «آتاک»، نیز درس‌خوانی خود در مخالفت با اجلاس‌هایی از این نوع اظهار داشت که «هیچکس با بازارها مخالف نیست ولی این جنبش مخالف آن است

که قوانین حاکم بر بازارها توسط شرکت‌های فراملی تدوین شوند.»^(۱۹) وی گفت این شرکت‌ها کمکی به توسعه کشورهای عقب افتاده نکرده‌اند و میزان افرادی که در این کشورها در کارخانه‌های متعلق به شرکت‌های چند ملیتی به کار گرفته شده‌اند کمتر از ۲٪ است و نباید اجازه داد که مسائل مهمی چون بهداشت، آموزش و محیط زیست، تحت کنترل رژیم تجارت جهانی در بیایند.

روزمیری رادکلیف، رئیس و شریک یورپ پرایس واتر‌هاوس کوپر (Europe Pricewaterhouse Cooper) در سخنرانی خود در دفاع از جهانی شدن اظهار داشت که اثرات منفی جهانی شدن قابل انکار نیستند ولی می‌توان آن را با قواعدی تحت کنترل درآورد و باید با اطلاع رسانی بیشتر به مردم جهان، آنها را از مزایا و دستاوردهای جهانی شدن آگاه کرد تا مردم خود بتوانند بهتر قضاوت کنند.

نظر اتان کاپ‌اشتاين، پرفسور اقتصاد و علوم سیاسی نیز این بود که «با توجه به فقر شدید در

کشورهای در حال توسعه، کارکردن برای شرکت‌های چند ملیتی تنها راه ادامه بقای این مردم فقیر است.»^(۲۰) گرچه شرایط کار دشوار و دستمزدها پایین است و حتی برخی مسئله به کار گرفتن کودکان در این کارخانه‌ها را مورد انتقاد قرار می‌دهند، ولی در صورت عدم وجود این کارخانه‌ها و یا عدم به کارگیری این کودکان، گدایی و فحشا تنها راه درآمدی است که برای آنها باقی می‌ماند.

رئیس «آتاک» اتریش، برنارد مارک - اونگریخت (Mark-Ungericht) نیز به این مسئله اشاره کرد که روشن نیست چه کسی هدایت کننده روند جهانی شدن است، دولت‌ها یا شرکت‌ها؟ در عین حال وی خواهان سازماندهی مجدد سازمان‌هایی چون سازمان جهانی تجارت شد.

کلودیا ورل هوف (Werthoff)، استاد علوم سیاسی دانشگاه اینسبروک اتریش نیز با انتقاد شدید از جهانی شدن و اجلاس‌های مربوط به آن گفت: «تقریباً همه جهان با شما مخالف‌اند.» وی از «دولت مخفی» سازمان جهانی تجارت و توافقات چند ملیتی در مورد سرمایه‌گذاری‌ها که به‌طور مخفیانه صورت می‌گیرند، سخن گفت و اظهار داشت که این اجلاس‌ها باید به جای پرداختن به چنین مسائلی، به مشکلات توسعه نیافتگی بپردازند. وی «اروپا را مستعمره گروه بین‌المللی از شرکت‌ها خواند که دیگر نمی‌توان آن را دمکراتیک نامید.»^(۲۱)

پاملا هارتینگان در پاسخ گفت که دولت‌ها

به تنهایی نمی‌توانند مشکلات اقتصادی و اجتماعی عمده‌ایی چون فقر و تخریب محیط زیست را حل کنند و به چنین همکاری‌هایی نیاز دارند، ولی «مسئله این است که چگونه این حکومت جهانی را شکل بدهیم؟»^(۲۳) وی نیز بر اهمیت اطلاع رسانی و دموکراتیزه کردن روند جهانی اشاره کرد و این که باید راه‌هایی بیابند تا توسعه اقتصادی به نفع مردم انجام شود.

خوزه ماریا فیگورز (Maria Figueres)، رئیس جمهور سابق کاستاریکا و مدیر اداری مجمع اقتصاد جهانی، در سخنرانی خود به این نکته بسیار جالب اشاره می‌کند که «اشکال جهانی شدن این است که باعث دستیابی جنوب به بازارهای اقتصادی توسعه یافته نمی‌شود.»^(۲۳) وی همچنین خواهان قطع فروش تسلیحات از کشورهای توسعه یافته و شرکت‌ها به کشورهای در حال توسعه شد.

چارلز مک لین (McLean)، مدیر ارتباطات مجمع اقتصاد جهانی، در پاسخ گفت که این اجلاس طرحی برای مطالعه در مورد بیست کشور جهان دارد، تا نظر مردم این کشورها را در مورد جهانی شدن مورد تحقیق قرار دهد.

همچنین سوزان جرج از سازمان اتاک، به این امر اشاره داشت که چنین اجلاس‌هایی و روند جهانی شدن مورد نظر آنها، برپایه این فرضیه استوار است که «قواعد بازار خود همه مشکلات را حل می‌کند»، در حالی که در واقعیت این بازار نیست که قواعد را تعیین می‌کند، بلکه شرکت‌ها هستند که براساس سود خود جهانی

شدن را تنظیم می‌کنند.^(۲۴) با وجود آن که افراد صاحب نامی از گروه به اصطلاح ضد جهانی شدن در این گفتگو شرکت داشتند ولی جنبش «اتاک»، خود یک روز پیش از تشکیل جلسه اجلاس اقتصادی اروپایی، در سالن بزرگ با حضور سیصد نفر، جلسه متقابل اجلاس را تشکیل داد که هدف شرکت کنندگان آن «جهانی شدنی دیگر» و توسعه دائمی اقتصاد جهانی از طریق شکستن اتحاد بازارهای مالی، لغو قرض‌های کشورهای فقیر و اصلاح مالیاتی بود. در این جلسه، مخالفین روند جهانی شدن اظهار داشتند که تفاوت درآمد افراد در فقیرترین و غنی‌ترین کشورها از تفاوت ۳۰ به ۱، در سال ۱۹۶۰، به تفاوت ۷۴ به ۱، افزایش یافته است و سازمانی چون سازمان تجارت جهانی چنین تحولی را قانون طبیعت می‌داند. به نظر آنها، شرکت‌های بزرگ پول‌های کلانی از طریق بازی در بازارهای بورس به دست می‌آورند و اینها همه چیزهایی هستند که باید تغییر یابند. دنیایی بدون مرزهای اقتصادی، بهشت شرکت‌های بزرگ است، ولی حفاظت محیط زیست و دموکراسی در چنین سیستمی جایی نخواهد داشت.^(۲۵)

در اینجا جای دارد که برای درک عمیق‌تر مبحث جهانی شدن و مخالفت گسترده با آن، به مقاله اخیر جوزف‌نای در مورد مخالفین روند جهانی شدن تحت عنوان «کمبود دموکراتیک جهانی شدن»^(۲۶) اشاره‌ای اجمالی داشته باشیم. وی با تعریف جهانی شدن به عنوان

«شبهه‌هایی از وابستگی متقابل در فواصل جهانی»، آن را پدیده‌ای همه جانبه می‌خواند که علاوه بر ابعاد اقتصادی دارای ابعاد سیاسی، محیط زیستی و غیره نیز هست. وی به این امر اشاره می‌کند که بازارها اثرات نابرابری دارند، و نابرابری که آنها به وجود می‌آورند، دارای عواقب سیاسی نیرومندی است. جهانی شدن

اقتصاد گرچه ممکن است شرطی ضروری باشد ولی برای مبارزه با فقر، شرطی کافی نیست. لذا جهانی شدن باید تحت کنترل در بیاید که یکی از راه‌های آن ایجاد یک دولت جهانی است. به نظر وی در حال حاضر ایجاد یک دولت جهانی سلسله مراتبی، نه امکان پذیر است و نه مطلوب، ولی می‌توان سازمان‌های متعددی را گسترش داد که در حال حاضر ابعاد جهانی تجارت، ارتباطات، بهداشت و غیره را تنظیم و کنترل می‌کنند.

وی به انتقاد مخالفین جهانی شدن اشاره می‌کند که نهادهای بین‌المللی از قبیل بانک جهانی و سازمان جهانی تجارت را، به خاطر غیردموکراتیک بودنشان، نهادهایی غیرمشروع می‌دانند. به خصوص که در دنیای امروز ما، دموکراسی شرط مشروعیت شده است و نهادهای بین‌المللی امروزی، گرچه چندان قدرتمند نیستند که خطرناک باشند ولی قواعد و منابع آنها اثرات شدیدی دارد. براین نهادها انتقادات دیگری چون فقدان شفافیت و پاسخ‌گویی ضعیف نیز وارد است. این نهادها به نظر مردم نهادهایی بسته و کلوب‌هایی پنهانی و

اسرارآمیز می‌آیند. لذا شرط اول دمکراتیزه کردن این نهادهاست. ولی در سطح بین‌المللی مشخص نیست که مردمی که این نهادها براساس خصلت دموکراتیک در مقابل آنها باید پاسخگو باشند، چه کسانی هستند. جامعه هنوز هویت واحدی ندارد و این خود کار را مشکل‌تر می‌کند.

نای معتقد است اگر مردم فکر می‌کنند که این سازمان‌ها به مسائلی چون استانداردهای محیط زیست بی‌اعتنا هستند، باید دولت‌های خود را تحت فشار بگذارند تا برای مثال، وزرای محیط زیست رانیز برای شرکت در این جلسات اعزام‌دارند. برای شفافیت بیشتر نیز می‌توان میان سازمان‌های غیردولتی و نهادهای بین‌المللی، چون بانک جهانی ارتباط بیشتری برقرار کرد تا بدین طریق اطلاعات را از نهادهای بین‌المللی دریافت کنند و در اختیار مردم بگذارند، تا مردم در جریان کار و تصمیمات این نهادها قرار بگیرند. مردمی که نگران دموکراسی هستند، باید هنجارها و رویه‌هایی برای جهانی شدن و اداره جهانی امور تدوین نمایند. وی در نهایت معتقد است که نه انکار این مشکل و نه تسلیم شدن به متعصبین تظاهر کننده در خیابان‌ها، به حل این مشکلات و یافتن هنجارها و رویه‌هایی برای جهانی شدن کمکی نمی‌کند.

فرجام

کنفرانس اروپایی مجمع اقتصاد جهانی در سالزبورگ، موضوعاتی را که در حال حاضر

برای اروپا از اهمیت اساسی برخوردارند، مورد بحث و بررسی قرار داده است. مسئله گسترش اتحادیه اروپا، تحول سیاسی و اقتصادی اروپای

شرقی و جنوب شرقی، نقش روسیه در اروپای آینده، امنیت اروپا و مسائلی جزئی تر و تخصصی تر از قبیل قوانین مهاجرت و کار در اتحادیه اروپا، تثبیت ارزش یورو و غیره نیز در اجلاس مطرح شد.

در رابطه با گسترش اتحادیه اروپا، اغلب شرکت کنندگان معتقد بودند که روند گسترش اتحادیه اروپا باید ادامه یابد، ولی در عین حال مخالفت بسیاری از شهروندان اتحادیه اروپا با چنین گسترشی، از دید شرکت کنندگان در اجلاس دور نمانده بود و آنها همگی خواستار تلاش برای متقاعد ساختن شهروندان اتحادیه اروپا در مورد ضرورت گسترش اتحادیه و رفع نگرانی از آنها بودند. به همین منظور این اجلاس اقدام به راه اندازی پروژه ای با نام «پلی به روی اروپا» نمود تا با برقراری ارتباط وسیع تر با شهروندان، درک و تفاهم بیشتری میان سیاستمداران و شهروندان اتحادیه به وجود آید و این مشکل از سر راه گسترش اتحادیه اروپا برداشته شود.

وضعیت فعلی اروپای شرقی و جنوب شرقی نیز مورد بررسی قرار گرفت. نمایندگان این کشورها تلاش داشتند تا حمایت اتحادیه اروپا را برای کمک اقتصادی به این منطقه به دست آورند و اتحادیه را به تحولات سیاسی و اقتصادی منطقه خوشبین سازند و امیدوار بودند که این

اتحادیه با کمک های خود این کشورها را در پیوستن به اتحادیه اروپا در دراز مدت یاری نماید.

نقش روسیه در اروپا و رابطه این کشور با اتحادیه اروپا نیز از مسائل بسیار مهم مورد توجه اجلاس بود. وضعیت اقتصادی روسیه به طور تخصصی مورد بررسی گروهی از کارشناسان و متخصصین امور اقتصادی قرار گرفت و راه حل های عملی برای خصوصی سازی بهتر اقتصاد روسیه پیشنهاد شد. علاوه بر مسائل اقتصادی، مسئله تلفیق روسیه در اتحادیه اروپا و سایر سازمان های جهانی چون سازمان جهانی تجارت نیز مطرح شد. شرکت کنندگان روسی اجلاس معتقد بودند که روسیه جزیی از اروپا است و اتحادیه با کمک به تحول سیاسی و اقتصادی روسیه می بایست پیوستن این کشور به اتحادیه اروپا را تسهیل نماید و از این طریق اروپا بتواند در مقابل قطب های دیگر قدرت، یعنی آمریکا و شرق آسیا، نقش برقرارکننده توازن را ایفا کند. نقش روسیه در سیستم امنیتی آتی اروپا نیز در همین راستا مطرح شد.

مسئله امنیت اروپا، از بحث های مهم اجلاس بود. برخی از کشورهای اتحادیه اروپا معتقد بودند که دیگر زمان آن رسیده است که اروپا یک سیستم امنیتی کاملاً اروپایی داشته باشد و از اتکای خود به آمریکا بکاهد. این که این سیستم دارای چه شکلی خواهد بود و رابطه اتحادیه اروپا و سیستم امنیتی آن با ناتو و یا کشورهای خارج از اتحادیه اروپا چگونه خواهد بود، مورد

بحث و بررسی قرار گرفت. در مورد طرح دفاع موشکی امریکا و عکس العمل اروپا در قبال آن نیز بحث شد، ولی این بحث هنوز مراحل اولیه خود را طی می کند و دستیابی به نتایج قطعی هنوز امکان پذیر نشده است.

بخش دیگری از اجلاس به برگزاری گفتگویی میان شرکت کنندگان اجلاس و مخالفین آن و یا به عبارت بهتر، مخالفین جهانی شدن اختصاص یافته بود که در این جلسه مخالفین و موافقین جهانی شدن هر دو استدلالات خود را ارائه کردند. موافقین روند جهانی شدن که از شرکت کنندگان برجسته اجلاس بودند، با برشمردن مزایای جهانی شدن برای مردم کشورهای در حال توسعه تأکید داشتند که اگر چه این روند اثرات منفی نیز داشته است، ولی در نهایت به کاهش فقر و بهبود وضع زندگی مردم در سراسر جهان کمک می کند. در حالی که مخالفین معتقد بودند که چنین جلساتی فقط برای افزایش منافع شرکت های بزرگ تشکیل می شود، و کشورهای فقیر راهی به آن ندارند، روند جهانی شدن روندی غیردموکراتیک است و تاکنون نتیجه ای جز ثروت و قدرت بیشتر برای شرکت های چند ملیتی و فقر و عقب ماندگی برای مردم کشورهای توسعه نیافته، نداشته است.

به هر حال از آنجا که به نظر می رسد، با توجه به تحولات تکنولوژیک، اقتصادی و سیاسی، روند جهانی شدن روندی اجتناب ناپذیر است، بنابراین مقاومت در مقابل چنین روندی

بی حاصل خواهد بود. قدر مسلم آن که این روند به طور بالقوه می تواند به نفع همه مردم جهان باشد و همه کشورها اعم از فقیر و غنی می توانند از مزایای آن بهره مند شوند. ولی آنچه که گسترش این روند را به ضرر کشورهای فقیر و در حال توسعه ساخته است، کنترل این روند توسط شرکت های بزرگ چندملیتی و کشورهای قدرتمند به خصوص آمریکا است. اجلاس اقتصادی اروپا نیز از این امر مستثنی نیست. این اجلاس با تأمین مالی شرکت های بزرگ برگزار شده بود تا با رفع موانع موجود بر سر راه گسترش اتحادیه اروپا، به بازارهای بیشتری دست یابد و بازارهای موجود را نیز سودآورتر کند. در راه رسیدن به این هدف، سایر جوانب، به خصوص جوانب منفی این گسترش نادیده گرفته شده و یا مورد توجه کافی قرار نگرفت و همین امر باعث شده که حتی در خود اروپا نیز مردم اغلب با ادامه روند جهانی شدن و به شکل ملموس تر با ادامه روند اتحاد اروپا مخالفت ورزند.

در اینجا، وظیفه همه کشورها، به خصوص کشورهای در حال توسعه و طیف وسیع مخالف روند جهانی شدن این است که با اقدامات سنجیده و طرح های مناسب و با کمک ابزارهایی چون سازمان های غیر دولتی بین المللی و کنفرانس های تخصصی، روند جهانی شدن را از سلطه این شرکت ها خارج سازند و یا با تدوین قواعدی از اثرات منفی آن بکاهند و به تدریج آن را وارد مسیری سازنده که حل مشکلات

op.cit.

9. Task Force of the WEF's Global Leaders for Tomorrow Unveils Readiness for the Future Index:

<http://www.weforum.org/pressreleases.nsf/>
10. **Ibid.**

11. World Economic Forum's European Economic Summit 2001, a successful mix of ideas, initiatives and dialogue:

<http://www.weforum.org/pressreleases.nsf/PRDocuments>

12. How Will Europ Look Next Year, op.cit.

13. EU Enlargement: Losing or Gathering Momentum, op.cit.

14. World Economic Forum's European Economic Summit opens. op. cit.

15. Global Growth: Can Europe ever Become the Consumer of Last Resort:
<http://www.weforum.org/pressreleases.nsf/PRDocuments>.

16. Summit Participants Call for Wider Dialogue with Civil Society:
<http://www.weforum.org/pressreleases.nsf/>

17. A Dialogue on Globalization:
[http://www.weforum.org/whatwed.nsf/](http://www.weforum.org/whatwed.nsf/A+ Dialogue+on+Globalization)
A+ Dialogue+on+Globalization

18. **Ibid.**

19. **Ibid.**

20. **Ibid.**

21. **Ibid.**

22. **Ibid.**

23. **Ibid.**

24. **Ibid.**

25. **Der Standard.** Monday, July 2/7/2001, page 2.

26. Joseph S. Nye, Jr., "Globalization's Democratic Deficit: How to make international institutions more accountable", **Foreign Affairs**, July/ August 2001. Electronic Version.

اقتصادی کشورهای در حال توسعه و فقیر را تسهیل نماید و به روندی با نتایجی برابر و عادلانه برای همه کشورهای جهان مبدل شود. چرا که در غیر این صورت افزایش شکاف میان کشورهای جهان در اثر گسترش این روند تحت سلطه قدرتمندان، مشکلات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی متعددی را برای همه کشورها دربر خواهد داشت.

پانوشته‌ها

1. Who We Are ?:

<http://www.weforum.org/whoweare.nsf/documents/who+we+are>

2. Calls for Greater Dialogue on EU Enlargement and European Integration:
<http://www.weforum.org/whoweare.nsf/>

World Economic Forum's Economic Summit Opens With Calls for Greater Dialogue on EU Enlargement and European Integration.

3. World Economic Forum's European Economic Summit 2001 Opens:

<http://www.weforum.org/pressreleases.nsf/> World Economic Forum's Economic Summit 2001 opens

4. **Ibid.**

5. How Will Europe Look Next Year:

<http://www.weforum.org/pressreleases.nsf/PRDocuments/> How will Europe look next Year

6. World Economic Forum's European Economic Summit 2001 opens. **op.cit.**

7. EU Enlargement: Losing or Gathering Momentum:

<http://www.weforum.org/pressreleases.nsf/>

8. How Will Europe Look Next Year.